**مرحوم آخوند عبادات مکروهه را سه قسم کرد**.

**الف:** متعلَّق نهی عنوان عبادت می­باشد و لا بدلَ له. مثل صوم یوم عاشوا.

ایشان عقیده اش این است که مثال فعل صوم عاشورا و ترک آن از قبیل تزاحم بین مستحبین است یعنی أمر به ترک صوم عاشورا و أمر نفسی مستحبی به مطلق روزه با هم تزاحم کرده اند، لذا باید قاعده تزاحم را جاری کرد و هر کدام است همان را اخذ کنیم و مهم را رها کنیم.

در مقابل آخوند مرحوم نائینی قائل است به اینکه این صوم عاشوا ربطی به باب تزاحم ندارد.

**دلیل:** از طرفی می­دانیم که تزاحم در بین دو نقیض یا دو ضد یا دو متلازم واقع نمی­شود.

و از طرفی مورد بحث ما از قبیل نقیضین( فعل و ترک ) است.

در نتیجه بین آنها تزاحم نیست بلکه تعارض است[[1]](#footnote-1)

**توضیح:** ایشان می­فرماید: تزاحم یا بین ملاکین ( در مقام اقتضاء) است یا در مقام امتثال است.

اما تزاحم در مقام ملاک مربوط به آن جای است که هر دو حکم مقتضی جعل را دارند. (هم ترک صوم عاشورا و هم فعل صوم عاشورا مقتضی دارند ) شارع مقدس در آن مقام قبل از جعل و تشریع، ملاک ها را می­سنجد( کسر و انکسار می­کند ) سپس جعل می­کند. ( رتبه قبل از جعل ، رتبه سنجش ملاک ها است) در این مرحله اگر مصلحت ترکِ صیام غالب شد . مثلا فرد احساس کرد ترک صوم عاشورا مصلحت دارد حکم به استحباب ترک می­کند . یا اگر مصلحت فعل غالب شد حکم به فعل صوم می­کند و اگر هیچ کدام غلبه ای نداشت و مساوی بودند حکم به اباحه می­کند یعنی تخییر بین فعل و ترک.

اما تزاحم در مقام امتثال به این معنی است که مکلف در مقام امتثال یک قدرت بیشتر ندارد و نمی­تواند در آن واحد آن را هم برای فعل و هم برای ترک خرج کند.مثلا هم ازاله نجاست از مسجد کند و هم نماز بخواند. بلکه در این صورت باید اهم و مهم کند.

در مورد بحث ما این قاعده جاری نیست زیرا فعل و ترک نقیضان می­باشند و جمع بین نقیضین محال است. یعنی خداوند هم برای فعل و هم برای ترک جعل داعی کند و هر دو را مستحب کند محال است . همچنین خداوند حکم به تخییر بین آنها کند نیز محال است زیرا تحصیل حاصل لازم می­آید. زیرا قهرا مکلَّف یکی از این دو را انجام می­دهد پس حکم به تخییر طلب حاصل است . نظیر تخییر بین دفن و ترک دفن میَّت که در این صورت حکم به تخییر طلب حاصل است.

نتیجه این می­شود که در نقیضین تزاحم ممکن نیست.

 آیت الله خوئی در دفاع از آخوند می­فرماید[[2]](#footnote-2): إجتماع أمر و نهی در سه صورت محال است

**الف:** متعلَّق أمر و نهی یک طبیعت باشد.

**ب:** متعلَّق فعلِ طبیعت و ترکِ طبیعت أمر باشد ( یعنی هم أمر به فعل طبیعت و هم أمر به ترک طبیعت بخورد)

**ج:** متعلَّق أمرِ اول حصّه ای از طبیعت و متعلَّق أمر دومی ترک همان حصّه باشد نیز محال است زیرا لازم می­آید تعلُّق أمر به نقیضین و هو غیر معقولٍ.

اما اگر متعلَّق أمر یک حصّه بود و نقیضش دو حصّه بود در اینجا اگر أمر به فعل و أمر به ترک یکی از این دو حصّه بشود محذوری ندارد و أمر به نقیضین نیست.

بنابراین در أموری که ثالثی باشد أمر به فعل و أمر به ترک واقع می­شود و لکن در جای که ثالثی نداشته باشد أمر به نقیضین محال است تزاحم در جای است که ثالث دارد.

متعلَّق أمر ندبی صوم عاشورا، مطلق امساک نیست و هر گونه امساکی مستحب نیست بلکه باید آن امساک به قصد قربت باشد پس امساک عبادی و با قصد قربت مستحب است. اگر از خوردن ، آشامیدن ، جماع و... امساک کند به قصد عبادت و قربت این امساک مستحب است.

در نتیجه متعلَّق أمر به استحباب روزه امساک به قصد قربت است . این حصّه دو نقیض دارد

**الف:** ترک صوم عبادی شود ( روزه نگیرد ) و افطار کند.

**ب:** یا روزه بگیرد لکن قصد قربت نکند.

پس نقیض فعل صیام ترک است و ترک دو حصّه دارد یا به افطار محقق می­شود یا به امساک بدونه قصد قربت محقق می­­شود

پس این عمل عبادی ما شق ثالث دارد و آن اینکه امساک بدونه قصد قربت باشد.

کسی که در مقام امتثال نمی­تواند هم فعل و هم ترک را انجام دهد این مسئله صغری باب تزاحم می­شود چون شق ثالث دارد و آن اینکه روزه بدونه قصد قربت انجام دهد در این صورت نه فعل است و نه ترک . اینجاست که تزاحم بین فعل و ترک تزاحم بین مستحبین است یعنی روزه با قصد قربت باشد مستحب است و اگر روزه را ترک کنم این ترک هم مستحب است و یک قدرت هم بیشتر ندارم لذا تزاحم می­شود.

1. ۱-اجود جلد ۱ صفحه ۳۶۴ و محاضرات جلد ۴ صفحه ۳۱۳ [↑](#footnote-ref-1)
2. ۲-محاضرات جلد ۴ صفحه ۳۱۷ و ۳۱۸ [↑](#footnote-ref-2)